



در زندان‌های روسیه چه خبر است؟

کار اجباری در گولاگ

ویچسلاف گز لَف – ترجمه: سودابه رخش

زندانیان روسی در اردوگاه کار اجباری، ۱۹۴۵

جولای سالی که گذشت، سازمان زندان‌های روسیه (FSIN)، شرکت بازرگانی خاصی را برای رتق وفتق سفارش محصولات کارگاه‌های زندان‌های تحت امر خود، راه‌اندازی کرد. هدف برداشتن واسطه‌ها، پایان‌دادن به کار پیمانکارانی که بخش معتباهی از سود را لفت‌ولیس می‌کردند و در کنار آن، حداقل تاحدودی، بهبود چشم‌انداز اشتغال زندانیان بود. در حال حاضر، زندانیان بسیاری از اردوگاه‌های زندان‌ها کاری ندارند و از همین‌رو نمی‌توانند غرامت قربانیان جرایمی را بپردازند که مرتکب شده‌اند. در این حین، این سازمان امیدوار است با راه‌اندازی یک‌بذنه مرکزی و گرفتن حق تک‌تک زندان‌ها برای معامله مستقیم با شرکت‌های مشتری، از رسوایی‌های بیشتر در مورد اردوگاه‌های زندانیان جلوگیری کند. نظیر آن‌دست اردوگاه‌هایی که ناذرُدا تولوکونیکوا، عضو سابق گروه پوسی‌رایت، محکومیت خود را در آن گذراند؛ زندانی که ناذرُدا نسبت به نقض حقوق زندانیان، کار زیاد و کمبود شدید خواب در آن به سازمان‌های حقوق‌پشری شکایت کرد.

یک نظام پول‌ساز

نظام گولاگ با زندانیان سیاسی بسیارش، رسماً در سال ۱۹۶۰ بسته شد، هرچند اردوگاه «پرم-۳۶» که آخرین اردوگاه از این دست بود تا سال ۱۹۸۷ برقرار بود. نظام کیفری فعلی روسیه، بسیاری از شیوه‌های رایج گولاگ نظیر کار اجباری، خبرچینی زندانی‌ها علیه همدیگر و تهدید زندانیان را ادامه می‌دهد. سازمان زندان‌های روسیه شامل بیش از هزار موسسه کیفری و ۲۴سازمان دولتی است که ممکن است از ظرفیت دیگر نهادهای دولتی برای سودوری استفاده کند. این سازمان‌های ترکیبی در مجموع، حدود صدهزارمحصول مختلف تولید می‌کنند؛ ازجمله یونیفرم نیروهای مسلح (همچون وزارت کشور، وزارت وضعیت اضطراری و وزارت دفاع)، پوشش‌های کانال، سنگ جدول، ظروف چدنی و همچنین عملیات معادن زغال‌سنگ و قطع الوار. ولی همه زندانیان کار ندارند و آن‌طور که سازمان زندان‌های روسیه می‌گوید، از مجموع ۶۰۰ هزار زندانی، تنها ۲۰۰هزار زندانی دستی در تولید دارند.

یکی از دلایل کمبود اشتغال در زندان، دلیل جغرافیایی است. در مناطق مرزی روسیه با چین، کالاهای تولیدشده در زندان، یاری رقابت با کالاهای وارداتی ارزان آن‌سوی مرزها را ندارند و از دور رقابت خارج می‌شوند. در مناطق دورافتاده شمالی، مدیران زندان‌ها بی برده‌اند که هزینه‌های بالای حمل‌ونقل، سود بالقوه آنها را می‌بلعد. باین‌همه سازمان زندان‌های روسیه هنوز هم از کار زندانیان، سود خوبی به جیب می‌زند؛ در سال۲۰۱۳ ارزش تولیدات مختلف آن به ۳۲میلیاردروبل (۴۲۸میلیون پوند) رسید.

از ماه جولای و تحت مقررات جدید، موسسات سازمان زندان‌های روسیه دیگر نمی‌توانند به صورت جداگانه قرارداد تولید ببندند؛ امری که پیش‌تر به رشد بازار بنگاه‌های کسب‌وکار خصوصی منجر شده بود و این بنگاه‌ها می‌توانستند برنده قراردادهای دولتی باشند و سپس آن را به اردوگاه‌های زندان واگذار کنند. این شرکت‌های خصوصی اغلب ارتباطات نزدیکی با مدیران زندان‌ها یا ادار‌های مرکزی سازمان زندان‌ها دارند. حالا به لطف شرکت بازرگانی مرکزی سازمان زندان‌ها، مدیران زندان‌ها می‌توانند مستقیماً با شرکت‌های مشتری، بر سر قیمت مذاکره کنند و بخشی از سود را برای موسسات خود نگه دارند. قیمت حاصله ممکن است چندین‌برابر هزینه تولید باشد. ولی این سودها به چه بهایی به دست می‌آیند؟

شرایط کار

مدیران زندان‌ها برای حداکثرکردن تولید می‌توانند زندانیان را وادار به یکی از دلایل کمبود اشتغال در زندان، دلیل جغرافیایی است. در مناطق مرزی روسیه با چین، کالاهای تولیدشده در زندان، یاری رقابت با کالاهای وارداتی ارزان آن‌سوی مرزها را ندارند و از دور رقابت خارج می‌شوند. در مناطق دورافتاده شمالی، مدیران زندان‌ها بی برده‌اند که هزینه‌های بالای حمل‌ونقل، سود بالقوه آنها را می‌بلعد. باین‌همه سازمان زندان‌های روسیه هنوز هم از کار زندانیان، سود خوبی به جیب می‌زند؛ در سال۲۰۱۳ ارزش تولیدات مختلف آن به ۳۲میلیاردروبل (۴۲۸میلیون پوند) رسید. از ماه جولای و تحت مقررات جدید، موسسات سازمان زندان‌های روسیه دیگر نمی‌توانند به صورت جداگانه قرارداد تولید ببندند؛ امری که پیش‌تر به رشد بازار بنگاه‌های کسب‌وکار خصوصی منجر شده بود و این بنگاه‌ها می‌توانستند برنده قراردادهای دولتی باشند و سپس آن را به اردوگاه‌های زندان واگذار کنند. این شرکت‌های خصوصی اغلب ارتباطات نزدیکی با مدیران زندان‌ها یا ادار‌های مرکزی سازمان زندان‌ها دارند. حالا به لطف شرکت بازرگانی مرکزی سازمان زندان‌ها، مدیران زندان‌ها می‌توانند مستقیماً با شرکت‌های مشتری، بر سر قیمت مذاکره کنند و بخشی از سود را برای موسسات خود نگه دارند. قیمت حاصله ممکن است چندین‌برابر هزینه تولید باشد. ولی این سودها به چه بهایی به دست می‌آیند؟

اضافه‌کاری یا شب‌کاری کنند. در واقع آزادی عمل مدیران زندان‌ها گاه می‌تواند به رسوایی‌های جدی منجر شود. سپتامبر سال۲۰۱۳ بود که نادرُدا تولوکونیکووا که به خاطر اجرای «توهین‌آمیز» در کلیسای جامع ارتدوکس مسکو به دوسال زندان محکوم شده بود، در اعتراض به نقض سیستماتیک حقوق خود و همه زندانیان اردوگاه دست به اعتصاب غذا زد. او در نامه‌ای که سایت خبری مستقل «لنتا» آن را منتشر کرد، توضیح داد تیم او در کارگاه خیاطی اردوگاه مجبور است ۱۷.۱۶ساعت در روز کار کند؛ از ساعت ۷:۳۰ تا ۳:۰۰ بامداد. او در آن نامه نوشت: «اگر خوش‌شانس باشیم، شب‌ها چهار ساعت می‌خوایم. مجبوریم یکشنبه‌ها هم کار کنیم و فقط هر شش‌هفته یک‌بار، یک‌روز مرخصی داریم. زندانیان مجبورند درخواستنامه‌ای پر کنند و در آن بنویسند «به انتخاب خود» یکشنبه‌ها و روزهای تعطیل کار می‌کنند اما در واقع انتخابی در کار نیست و ماموران زندان و زندانیان مورداعتمادشان که از آنها تبعیت می‌کنند، شما را مجبور به پرکردن این درخواستنامه می‌کنند.»

تولوکونیکووا که از آن زمان آزاد بوده است، جزئیات فشارهای اعمال‌شده را اینطور شکافت: هیچ‌کس جرات ندارد از نوشتن درخواستنامه برای کار تا ساعت ۱۲:۳۰ روزهای یکشنبه خودداری کند. یک‌بار زنی ۵۰ساله درخواست کرد اگر می‌شود کمی زودتر، یعنی ساعت‌هشت‌شب از کارکردن دست بکشد تا بتواند ساعت۱۰شب به رختخواب برود و حداقل برای

مدیران زندان‌ها برای حداکثرکردن تولید می‌توانند زندانیان را وادار به اضافه‌کاری یا شب‌کاری کنند. در واقع آزادی عمل مدیران زندان‌ها گاه می‌تواند به رسوایی‌های جدی منجر شود. سپتامبر سال۲۰۱۳ بود که نادرُدا تولوکونیکووا که به خاطر اجرای «توهین‌آمیز» در کلیسای جامع ارتدوکس مسکو به دوسال زندان محکوم شده بود، در اعتراض به نقض سیستماتیک حقوق خود و همه زندانیان اردوگاه دست به اعتصاب غذا زد

یک‌بار در هفته، هفت‌ساعت خواب مناسب داشته باشد. حال او خوب نبود و فشار خون بالایی داشت. افسران زندان در واکنش در بند او تشکیل جلسه دادند و او را مورد توهین و تحقیر قرار داده و تنبیل خواندند و گفتند: «تو می‌خواهی بیشتر از دیگران بخوابی؟ باید بیشتر لشتو لشتو تکون بدی.» اگر کسی به خاطر بیماری، مرخصی استعلاجی هم داشت، دمار از روزگارش در می‌آوردند و می‌گفتند: «چی می‌شد اگر با ۴۰درجه تب کار می‌کردی، چیز مهمی نیست. هیچ فکر کردی چه کسی جای تو را باید پر کند؟»

اطهارات تولوکونیکووا از سوی الکساندر کورشونف، معاون سازمان زندان‌های روسیه (که راه‌اندازی شرکت بازرگانی هم ایده او بود) تایید شد و به گفته او مدیران زندان گاهی برای افزایش تولید، زندانیان را مجبور به اضافه‌کاری می‌کنند. زندانیان معمولاً چیزی بیشتر از حداقل دستمزد (که در روسیه پنج‌هزار و ۵۵۴روبل معادل ۷۵پوند در ماه است) عایدشان نمی‌شود. بر اساس آمار و ارقام خود سازمان زندان‌ها، میانگین دستمزد روزانه هرزندانی ۱۹۶روبل (۲/۶۰پوند) است. یک استثنا در این میان، قطع الوار درکراسنوبارسک سنبری است که زندانیان می‌توانند ماهانه بین ۲۰ تا ۲۵هزارروبل (۲۷۰ تا ۳۳۰پوند) درآمد داشته باشند اما آن هم بسیار نادر است.

شرکت بازرگانی سازمان زندان‌های روسیه

ایده راه‌اندازی شرکت بازرگانی سازمان زندان‌ها، گرفتن همه مبنی بر حمایت از داعش منتشر کردند. هرچند حمله به وب‌سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی رسانه‌های کوچک اعتبار چندانی برای شبه‌نظامیان داعش و حامیان‌ش به ارمغان نمی‌آورد، اما هک‌شدن سایت‌های ستاد فرماندهی آمریکا روایتگر داستان دیگری است. این پست در حقیقت نتیجه عملیات‌های آینده آمریکا را در خاورمیانه به سخره می‌گیرد؛ جایی که نیروهای آمریکایی در حال جنگ با شبه‌نظامیان داعش هستند. «پیتر سینگر» استراتژیست بنیاد «نیومایرکن» در این‌باره می‌نویسد این پیام، جنگ فیزیکی با داعش را با موانع بسیاری مواجه می‌کند. او ادامه می‌ده: پرچم داعش به اهتزاز درمی‌آید و شهروندان غربی بسیاری به سمت آن جلب و از سوی دیگر این افراد بیشتر بر فضای شبکه‌های اجتماعی متمرکز می‌شوند. بنابراین در چنین شرایطی داعش به‌خوبی می‌تواند ادعای خود را عملی کند؛ ادعایی که می‌گوید نفوذ این گروه در بین نسل آینده هرروز، عمیق‌تر از گذشته می‌شود. در حقیقت شبکه‌های اجتماعی به ابزاری قدرتمند برای داعش تبدیل می‌شوند تا افراد جدید را به سمت جنبش افراطی خود جذب کنند.

«متو اولسن» رئیس مرکز ملی مبارزه با تروریسم در مقاله‌ای می‌نویسد

جهان

زندانیان روسی در اردوگاه کار اجباری، ۱۹۴۵

معمای تروریسم

حجت‌الله جودکی*

واقعیت این است که تروریسم در هر شکل آن اعم از گروهی، دولتی و… عملی ضدانسانی است و با توجه به اینکه دین وسیله‌ای الهی برای خوشبخت‌کردن و خدمت‌رسانی به انسان است، هیچ رابطه مستقیم و غیرمستقیمی میان دین و تروریسم نیست. بنابراین اگر صورت‌مساله را چنین بنویسیم که تروریسم از هر ابزاری که به نفع او باشد، بهره‌برداری می‌کند، به این واقعیت بیشتر نزدیک شده‌ایم. حادثه ترور کاریکاتوریست‌های فرانسوی بار دیگر موجی از اسلام‌هراسی در جهان به راه انداخت. زنده‌یاد شریعتی در یکی از سخنان ماندگارش می‌گوید: «اگر می‌خواهید حقیقی را خراب کنید، خوب به آن حمله نکنید، بد از آن دفاع کنید.» در شرایط فعلی جهانی تروریست‌های اسلام‌گرا و دشمنان مسلمانان برای رسیدن به اهداف پلید خود یا در مسیر خطرناکی گذاشته‌اند که قطعاً به ضرر مسلمانان خواهد بود. وقتی داعش موفق شد تا نیروهای اسلام‌گرا را از سراسر جهان در خاورمیانه متمرکز کند، غرب نفس راحتی کشید زیرا، هرگز به خواب نمی‌دید که تروریست‌های اسلام‌گرا به سهولت غرب را ترک کرده و به جان بقیه مسلمانان در وطن خودشان بیفتند.

غرب هم با توجه به اینکه در مدیریت بحران کارکنسته است، از این بحران حداکثر استفاده را کرد و به کمک قدرت تبلیغاتی موثر خود توانست اسلام‌هراسی را به‌عنوان یک واقعیت خطرناک در ذهن مردم جهان حک کند. نگاهی به کتاب «میشل ولبک»، نویسنده متبحر فرانسوی این نکته را بیان می‌کند. آخرین رمان او تسلیم نام دارد و در آن رمان، سال۲۰۲۲میلادی، فرانسه‌ای را به تصویر کشیده که رئیس‌جمهورش مسلمان است، دانشگاه‌هایش به اجبار قرآن تدریس می‌کنند، زنان به اجبار صورت‌های خود را می‌پوشانند و چندهمسری قانونی است.بی‌تردید این کتاب در راستای سیاسی‌رسمی غرب و در جهت دامن‌زدن به فضای مسموم اسلام‌هراسی تحریر شده است. زیرا قشون‌کشی گروهی مترجع به منطقه خاورمیانه و به خاک‌وخون‌کشیدن مردم بنام اسلام و ایجاد شکاف میان مسلمانان کاملاً در جهت منافع غرب است. در جنگی که افراد مترجع به راه انداخته‌اند، منافع غرب به بهترین وجه ممکن تامین خواهد شد. اگر نگاه استراتژیکی داشته باشیم، درمی‌یابیم که جایگاه اقلیت مسلمان در غرب متزلزل شده و غرب با ایجاد زمینه برای رشد و شکل‌گیری تروریست‌های مدعی اسلام‌گرایی، علاوه‌بر پاکسازی منطقه غرب از وجود ایشان، آنها را به داخل سرزمین‌های اسلامی کوچ داده و آبروی مسلمانان را به وسیله خود آنها ریخته است. از سوی دیگر حاکمیت جهل نیز باعث شده تا آنها با دست خود و با همیاری دشمن، خانه را بر سر خویش خراب کنند. متأسفانه اکنون تعداد زیادی کشور‌های اسلامی اسیر مشکلات اقتصادی هستند و در چنین جوی نیروهای خوشفکر، مستقل و کارآمد تربیت نمی‌شود، به همین دلیل است که با وجود انقلاب و حذف نیروهای ضدمردمی، آنها بار دیگر و به شکل توتنی دوباره همه‌کاره می‌شوند و مردم دور باطلی را طی می‌کنند.

به‌نظر اوشکین، بنیانگذار شبکه اجتماعی حقوق بشری «گولاگ» کل ایده را توطیایی و اساساً ناکارآمد می‌داند و می‌گوید: «ساده‌انگارانه است انتظار داشته باشیم نظامی که ۸۰درصد آن را عناصر گولاگ تشکیل داده‌اند و میراث اقتصاد شوروی و استثمار کارگران است، ناگهان یاد بگیرد چگونه پول درآورد. احمقانه است تصور کنیم کارمندان سازمان زندان‌ها که تجارت را از نسخه‌های منسوخ آموزش دیده‌اند، بتوانند به جادوگران مالی تبدیل شوند.»

بسیار جالب بود. یکی از این حساب‌های وابسته به این حمله، متعلق به «اندرو جکسون» یک‌گروه جهادی است که طرفداران بسیاری در عراق و سوریه دارد.

«استوارت باکر» که مشاور سابق بخش «امنیت سرزمین مادری»

است، می‌گوید: مهم نیست چه کسی پشت این حملات است اما این اتفاق نشان می‌دهد امنیت برای ستاد فرماندهی اولویت نخست نبوده است. باکر نیز بر این باور است که شرایط تغییر می‌کند از این پس ما شاهد کاهش این قبیل حملات خواهیم بود چرا که مردم آگاه‌تر می‌شوند. تویتر و گوگل هردو ابزارهایی را معرفی کردند که مانع این قبیل حملات شوند.

نگاه بیرون

موگابه

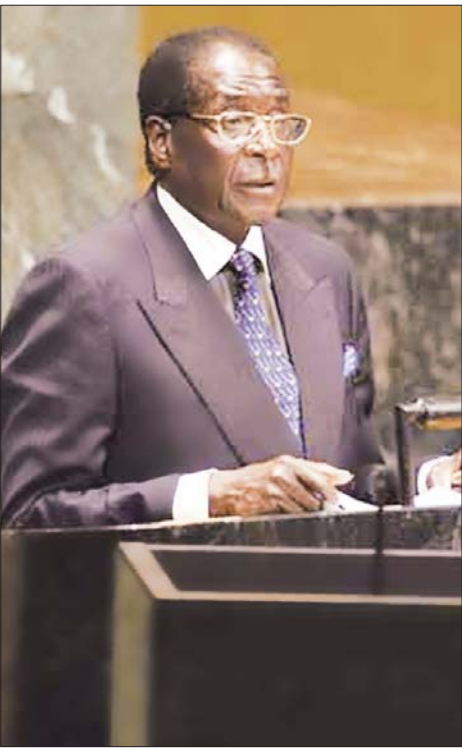
رییس‌جمهور تامرگ

ترجمه: ممدعلی عسکری

«رابرت موگابه»، رییس‌جمهور زیمبابوه که هم‌اکنون ۹۰سال دارد، با سخنانی که تقریباً کمیاب است، مردم کشورش را غافلگیر کرد؛ او گفت برای چنددهه دیگر رییس‌جمهور خواهد ماند. موگابه فردی است که تقریباً کشورش رییس‌جمهوری غیر از او را به یاد نمی‌آورد زیرا از زمان استقلال این کشور از بریتانیا در سال ۱۹۸۰ تاکنون، او در مقام ریاست‌جمهوری بر این کشور بوده و ظاهراً قصد دارد تا دم مرگ در این مقام بماند. به همین دلیل می‌گوید می‌خواهد در انتخابات سال۲۰۱۸ شرکت کند. در آن زمان، او ۹۴سال خواهد داشت و همین مساله موجب حیرت و شگفتی بسیاری در داخل و خارج از این کشور شده است. مردم این کشور از هم می‌پرسند مگر او می‌خواهد تا چه زمانی رییس‌جمهور بماند و مگر او تا آن زمان هوشیاری خودش را از دست نخواهد داد یا بیماری‌ها بر او غلبه نخواهند کرد. بنابراین چگونه بازهم قصد دارد بر کرسی ریاست‌جمهوری تکیه بزند؟

در زمان گفتن این سخنان، معاونش «جویس موگروگی» که خود را جانشین او می‌داند نیز حضور داشت. موگابه در این جلسه اما به موگروگی حمله و او را متهم کرد ریاست «باندی از خائنان» را برعهده گرفته که تلاش می‌کند موگابه را سرنگون کنند. بلافاصله رسانه‌های این کشور نیز حملات شدیدی را علیه او ترتیب دادند که تقریباً سه‌ماه استمرار داشت. در این حملات رسانه‌ها از موگروگی می‌خواستند بیاید و اعتراف کند که خائن بوده و بدون هیچ دلیلی خود و وجدانش را فروخته است. تا آنجا که او مجبور شد با صدور بیانیه‌ای بگوید: «حرف‌هایی زده می‌شود و می‌گویند گروهی از دوستان محترم رییس‌جمهور قصد سرنگونی رابرت موگابه را دارند، اما اینها حرف‌هایی بیبوهه و بی‌معناست و چنین مساله‌ای از اساس صحت ندارد زیرا خلوص نیت و اعمال من نسبت به جناب رییس‌جمهور و کشورم زیمبابوه بر کسی پوشیده نیست و نمی‌توان در این خدمات هیچ‌گونه تردیدی رواداشت.»

همزمان رابرت موگابه برای گسترش نفوذ خود اعلام کرد مقام همسرش «جریس موگابه» را که ۴۹سال دارد و تقریباً ۴۱سال از موگابه کوچک‌تر است را ارتقا داده و به ریاست انجمن زنان در حزب «زائو» منصوب کرده است. حزب «زائو» تحت رهبری رابرت موگابه است و در مبارزات استقلال‌طلبانه این کشور سهم عده‌ای داشت و هم‌اکنون بسیاری منتظرند در آینده نیز همسر موگابه جایگاه مهم‌تری را کسب کند. تصمیمات جدید موگابه البته در این حد باقی نماند، بلکه عملیات پاکسازی گسترده‌ای در این کشور شروع شد که بیشتر در بین متحدان و طرفداران موگابه رخ می‌داد؛ به‌خصوص کسانی که سال‌هاست در کنار او هستند. از این‌رو در یک اقدام اعلام شد هفت‌نفر از وزرای موگابه که یکی از آنها «دیدیموس موتاسا»، وزیر امنیت در دولت بود و یکی از قدیمی‌ترین متحدان موگابه به‌شمار می‌رفت نیز برکنار شد. در این میان سخنان موگابه همچنان ورد زبان‌ها بوده و بسیاری آنها را تکرار می‌کنند؛ به ویژه این جمله‌ای که گفت: «من هرگز بازننشسته نمی‌شوم و از اینجا



رومی مگر اینکه مرگم فرارسد. من تا زمانی که خداوند اراده کرده باشد، می‌مانم و به ریاست‌جمهوری ادامه خواهم داد.» سه‌هفته پیش از بیان این سخنان بود که عملیات پاکسازی‌ها تقریباً کلید خورده بود. در همین رابطه «گابولانی سیدندنا» که یکی از برجسته‌ترین رهبران تاریخی در جنبش آزادسازی زیمبابوه از استعمار انگلستان بود، از کار برکنار شد. ۱۶نفر دیگر به اتهام عدم قدیمی در جنگ آزادی‌بخش بود و درنهایت به اتهام توهین به رییس‌جمهور و همسرش بازداشت شد.

این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که زیمبابوه از مشکلات اقتصادی حادی رنج می‌برد. طی سه‌سال گذشته تقریباً ۵۰۰شرکت در این کشور ورشکست شده‌اند و اوضاع صنایع کشاورزی نیز به‌شدت وخیم گزارش می‌شود. عملیات پاکسازی و تصفیه‌ها ادامه می‌یابد و در جایی رسید که اعلام شد ۱۶نفر دیگر به اتهام عدم علاقه و خیانت و فساد از کار برکنار شده‌اند. روزنامه «ذاهیرالذ» که سخنگوی رسمی دولت زیمبابوه است، چندهفته پیش خبر برکناری پنج‌نفر از نمایندگان نخست‌وزیر را به اتهام توطئه علیه رییس‌جمهور از طریق ابزارهای غیرقانونی از جمله طراحی برای ترور رابرت موگابه از کار برکنار شدند.

اتفاقاتی که هم‌اکنون در زیمبابوه می‌افتد؛ بسیاری از تحلیلگران را دچار حیرت کرده است. آنان سیاست‌را می‌مشاهده می‌کنند که تنها می‌توان از «نظام‌های خارج از تاریخ» انتظارش را داشت. این سیاست‌ها بیانگر آن است که فرد به جایی می‌رسد که احساس می‌کند نه‌تنها رییس‌جمهور یک کشور، بلکه مالک تمام آن است و بنابراین تا زمانی که در قیدحیات باشد، این حق را دارد از ملک خود سود برده و حتی بعد از مرگ آن را برای خانواده‌اش به ارث بگذارد.

منبع: الاهرام

پلیس در حال گشت‌زنی در خیابانهای تهران